



The Pathology of Folklore “Generals” Textbooks in Iran

Fereshteh Aliani^{*1}, Moharram Rezayati Kishekhaleh², Reza Cheraghi³

Received: 23/08/2021

Accepted: 28/10/2021

Research Background

There has not been any independent research in the field of folklore culture and literature 'Generals' textbooks. It is possible of course that some studies limited to some aspects are presented in different seminars and plans. However, an article titled “The Pathology of Folklore Literature Theses in Iran” by Aliani, Rezayati, and Cheraghi (2020) is the only independent work in the field of folklore literature criticism.

* Corresponding Author's E-mail:
fereshteh.aliyani@gmail.com

Goals, Questions, and Hypotheses

It is believed that one of the main fundamental studies of folklore literature during the last century in three research periods is 'Generals'. This type of textbook should include precise idea, subject focus, useful information, etc. and in general provide convincing ideas to obtain the educational and research goals of folklore literature. For this reason, the current study analyzes five prominent 'Generals' in the

1. PhD Candidate of Persian Language and Literature, University of Guilan, Guilan, Iran

<https://orcid.org/0000000284139063>

2. Professor of Persian Language and Literature, University of Guilan, Guilan, Iran

<https://orcid.org/0000000157752359>

3. Assistant Professor of Persian Language and Literature, University of Guilan, Guilan, Iran

<https://orcid.org/000000024398421X>



field. These textbooks are generally academic ones and deal with several subjects in the field of folklore literature.

The goal of this research is to better understand the 'Generals' textbooks' subjects, dealing with their strengths and weaknesses. The results of the study allow the researchers to have an informed selection of the sources for studying the principles of this field. It also helps the authors to improve the structures and quality of the textbooks and pay attention to the ignored issues.

This article aims to answer the following questions: Is there any coherency in the formal structure of these textbooks? Is enough attention paid to the research background, main figures, and orientalist of the field? Are sources considered to be updated and balanced? Are theories related to folklore literature field included? Is there any relation between the theoretical structures and different sections of the textbooks?

Main Discussion

'Generals' textbooks are divided into literary and cultural works. Folklore culture textbooks are multidimensional and provide lots of information. Although these textbooks are functional and very much favored by students and researchers for their educational and research aspects, they also have many problems. For example, the succession process is observed in the early chapters of the textbooks to be written before 70s. The discussions start from general issues and meanings of culture, definition of folklore, its scope, different aspects and their importance, a short background, etc. Then, folklore culture is described as the subcategory of the field (see Bolokbashi, 1977, p. 2; Beihaghi, 1986, p. 9). But authors of the recent textbooks do not make the novice researchers of folklore culture familiar with the principles and general issues of this field and do not present a logical progression of the discussions. Theoretically, "Folklore Culture" textbook, for example, is the only textbook that has dedicated a chapter to discuss folklore culture theories (see Tamimdari, 2017, pp. 37-47). The rest do not make any direct reference to the theories. There is no source



balance in the textbooks as well. Orientalists as the first researchers of folklore culture are briefly mentioned. The textbooks do not have a well-designed research method. The textbooks do not have subject generality and only “Folklore Culture” has dealt with different subjects.

Conclusion

Generally, the textbooks do not have any specific objective for their structure. They do not have any detailed index and unfolding introduction that provide the reader with some practical information about the book. They do not have research method and precise classification. The beginnings of chapters do not start with a setup. These textbooks lack inter-textual elements and precise evaluation required for educational textbooks. They are not uniformed in terms of calligraphy and style. Two of the studied textbooks have the word ‘folklore’ in their titles but the Persian equivalent is not provided. As for the content, the textbooks do not have a precise logical progression. The authors are sometimes biased in presenting subjects, and considering their knowledge and preferences, they have presented some matters with more emphasis and length. None of these textbooks have paid attention to the research design and data collection. Attention has not been paid to theories and their application in different aspects of folklore culture. The subjects lack analysis, and their presentation is mostly descriptive and knowledge-based.

References

- Aliani, F., Rezayati Kische Khaleh, M., & Cheraghi, R. (2020). The pathology of folklore literature theses in Iran. *Folklore Culture and Literature Bimonthly*, 36, 5-30.
- Bolokbashi, A. (1977). *Popular culture - fourth year of public middle education of culture and literature* (in Farsi). Paya Printery.
- Tamimdari, A. (2017). *Popular culture* (in Farsi). Mahkameh.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۹، شماره ۴۱، آذر و دی ۱۴۰۰

مقاله ترویجی

DOR: 20.1001.1.23454466.1400.9.41.7.9

آسیب‌شناسی کتاب‌های «کلیات» ادبیات عامه در ایران

فرشته آلیانی^{*}، محرم رضایتی کیشه‌خاله^۲، رضا چراغی^۳

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۰۶)

چکیده

از دهه ۱۳۸۰ به بعد با ورود فرهنگ و ادبیات عامه به حوزه دانشگاهی تحولی در مطالعه آن ایجاد شد و هر روز آثار پژوهشی متنوعی در قالب: کتاب، پایان‌نامه و مقاله و ... در قلمروهای مختلف آن نوشته می‌شود. از اصلی‌ترین این آثار کتاب‌هاست که به‌منزله آثاری بنیادین در رشته ادبیات عامه باید خصوصیات ممتازی داشته باشد تا بتواند بار آموزشی و پژوهشی این رشته را به دوش بکشد. یکی از انواع کتاب‌های ادبیات عامه کتاب‌های «کلیات» است. منظور از کتاب‌های «کلیات» کتاب‌هایی است که هم‌زمان به موضوعات مختلف در حوزه ادبیات عامه می‌پردازد و عموماً این کتاب‌ها برای تدریس نوشته و چاپ شده است. هرچند که در مبانی و کلیات پژوهش‌های این رشته نیز نقش اساسی دارد. با اینکه روز به روز تعداد انتشار این نوع کتاب‌ها در حال افزایش است، اما تاکنون هیچ نقدی درباره آن‌ها صورت نگرفته است تا به طبقه‌بندی و ارزیابی نقاط قوت و ضعف این آثار کمک کند و پژوهشگران را در انتخاب بهتر

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

fereshteh.aliani@gmail.com
<https://orcid.org/0000000284139063>

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

<https://orcid.org/0000000157752359>

۳. استادیار زبان و ادب فارسی دانشگاه گیلان، گیلان، ایران.

<https://orcid.org/000000024398421X>

این آثار یاری دهد. باتوجه به اهمیت این مسئله، در این جستار پنج کتاب مهم از مجموعه کتاب‌های کلیات فرهنگ عامه به ترتیب زمانی از اولین کتاب در دهه ۱۳۵۰ تا کتاب‌های دهه اخیر معرفی و نقد می‌شود. چون این کتاب‌ها عموماً در دانشگاه تدریس می‌شوند، با نگاهی به مصوبات و زرات علوم در رشته فرهنگ و ادبیات عامه به نقد این آثار از جهت محتوا، توالی، جامعیت و وسعت بررسی، کاربرست نظریه، روزآمدی و اعتبار علمی، جریان‌شناسی درست از پیشینه و مبانی و ... در دو بخش صوری و محتوایی موردنقد و مقایسه قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: کتاب‌های کلیات، فرهنگ و ادبیات عامه، آسیب‌شناسی و نقد.

۱. مقدمه

ادبیات عامه از فرهنگ عامه یا فرهنگ توده سرچشمه گرفته است. فرهنگ عوام خاستگاه الهامات بشری در زمینه ادبیات و هنر است؛ درواقع سرچشمه افکار توده که نسل‌های پیاپی، همه عواطف، فکر و ذوق خود را در آن ریخته‌اند، گنجینه زوال‌ناپذیری است که آبشخور ماندگارترین آثار هنری جهان است و برای شناخت بسیاری از علوم همچون ادبیات، تاریخ، زبان‌شناسی و ... کمک زیادی می‌کند (محبوب، ۱۳۸۲، ص. ۳۵).

ادبیات عامه یکی از اصلی‌ترین بخش‌های فرهنگ عامه است که تا حدود یک قرن پیش به صورت مکتوب درنیامده بود. در سراسر تاریخ جهان تا سده ۱۹ میلادی به این قبیل آثار اعتنا نمی‌شد و دانشمندان این گونه آثار را به چشم حقارت می‌نگریستند. مطالعه درباره این آثار از دوره رمانتیک آغاز شد. در این میان یاکوب و ویلهلم گریم، که از رمانتیک‌های میانه بودند، با هدف تحکیم روابط بین خلق‌های مختلف آلمان و شناخت هویت ملی شروع به گردآوری این آثار کردند. آثار گردآوری شده توسط آنان مجموعه سه جلدی قصه‌های خانگی کودکان حتی امروزه در کشورهای آلمانی زبان تیراژی بالاتر از *انجیل* دارد (انجوی شیرازی، ۱۳۷۱، ص. ۲۴۱-۲۴۲).

در ایران نیز پژوهش در ادبیات عامه سابقه چندانی ندارد. پیش از اینکه محققان ایرانی مطالعه درباره فرهنگ عامه را شروع کنند مستشرقان زیادی در این راه گام برداشتند (نک: محجوب، ۱۳۸۲، ص. ۷۳؛ هدایت، ۱۳۷۸، ص. ۲۳۹). درواقع ایرانیان مطالعه درباره ادبیات عامه را از غربیان آموختند، هرچند در گذشته برخی از عالمان ایرانی آثاری حاکی از فرهنگ عامه را پدید آورده بودند، اما به‌صورت جدی کم‌تر از یک قرن است که این علم رواج دارد. اگر پژوهشگران ایرانی این عرصه را براساس اوج فعالیت‌های پژوهشی‌شان به سه دوره نخست، میانه و جدید تقسیم کنیم؛ در دوره اول در حدها سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۴۰ همچون دهخدا، هدایت، فروغی، کوهی کرمانی و ... در دوره دوم یا دوره میانه حدها سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۸۰ همچون همایونی، بلوکباشی، روح‌الامینی و ... در دوره جدید حدها سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ همچون ذوالفقاری، تمیم‌داری، جعفری (قنوتی) و ... می‌توانیم با قاطعیت بگوییم از دهه ۱۳۸۰ با ورود ادبیات عامه به فضای دانشگاهی و مطرح شدن آن به‌عنوان گرایش تحصیلی، مطالعه درباره آن متحول شد و آثار پژوهشی متنوعی در قالب کتاب، مقاله، پایان‌نامه، طرح و ... هر روز در ایران تولید می‌شود. در همین راستا کتاب‌های آموزشی و پژوهشی زیادی نیز درباره این رشته نوشته شد، اما این کتاب‌ها (در کنار دیگر پژوهش‌هایی که صورت گرفته علی‌رغم زحماتی که در آن‌ها کشیده شده است و ارزش‌هایی که دارند) بیشترشان فاقد هرگونه رویکرد و روش منظمی هستند. البته باید بپذیریم تحلیل مطالعات فرهنگ و ادبیات عامه هنوز در دانشگاه‌ها به‌صورت علمی آموزش داده نشده و تنها در دانشگاه‌های محدودی به‌منزله گرایشی علمی به آن نگریسته شده است. اگر با نگاهی گذرا به پیشینه آثار پژوهشی فرهنگ عامه و کثرت آثار تولیدشده بنگریم، درمی‌یابیم که باوجود جذابیتی که فرهنگ و ادبیات عامه به‌تازگی

برای پژوهشگران داشته نقد جدی در پژوهش‌های آن صورت نگرفته است. انجام پژوهش‌هایی که نقدی بی‌طرفانه دارند در این رشته بسیار سازنده و تأثیرگذار است.

باتوجه به اینکه یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین پژوهش‌های ادبیات عامه طی یک سده گذشته در سه دوره پژوهشی از سال ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ کتاب است و کتاب به‌منزله اثری هوشمند، استاندارد و دیرپای، مهم‌ترین ابزار برای مطالعه و پژوهش در ادبیات عامه است و باید از فکر دقیق، تمرکز موضوع، اطلاعات مفید و ... و درکل عناصر متقنی برای نیل به اهداف آموزشی و پژوهشی برخوردار باشد، این پژوهش به یکی از اصلی‌ترین کتاب‌های تولیدشده در حوزه ادبیات عامه، یعنی «کلیات» - که کتاب‌هایی با موضوعات متنوع و چندوجهی هستند - می‌پردازد. در این آثار کتاب‌هایی که عنوان فرهنگ عامه دارند از نظر موضوعی تنوع بیشتری دارند. به همین دلیل در این جستار پنج کتاب که عنوان فرهنگ عامه یا فولکلور دارند موردنقد و مقایسه قرار می‌گیرد.

این کتاب‌ها عموماً کتاب‌های دانشگاهی هستند. تقریباً از اولین کتابی که در دهه ۱۳۵۰ با عنوان فرهنگ عامه برای دانش‌آموزان سال چهارم متوسطه عمومی تا فرهنگ عامه در دهه ۱۳۹۰ تألیف شده که نتیجه سال‌های متمادی تدریس فرهنگ عامه است و ... همه از کتاب‌های موردتوجه دانشجویان و پژوهشگران رشته ادبیات عامه است.

به‌جز تدریس این کتاب‌ها در دانشگاه‌ها، مسئله دیگری که انگیزه نویسنده برای انتخاب کتاب‌ها بود نشرهای معتبر، تعداد تیراژ و تجدیدنشر و مهم‌تر از همه ارجاعات فراوانی بود که در پژوهش‌های پایان‌نامه‌ای و مقاله‌ای به این کتاب‌ها می‌شد و کتاب‌های انتخاب‌شده صرف‌نظر از اینکه در دانشگاه تدریس می‌شوند یا نه، در پژوهش‌های ادبیات عامه نقشی بسزا دارند. نگارندگان پس از بررسی بیش از صد پایان‌نامه ادبیات عامه متوجه شد که دانشجویان در بخش کلیات حتماً به یکی از این

کتاب‌ها ارجاع می‌دهند و به دلیل اینکه بخش کلیات در پایان‌نامه‌ها همواره از هم رونویسی می‌شوند و این ارجاعات هم‌چنان تکرار می‌شوند و این سیر ادامه دارد؛ بنابراین برای دریافت بهتر و طرح نقاط قوت و ضعف این کتاب‌ها در چند بخش پیشینه، ساختار و انسجام و توالی، نظریه و کاربرد آن در هر کتاب، تناسب و تعادل، روزآمدی، منابع و توازن مراجع در آن و ... مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه کتاب‌های گرایش فرهنگ و ادبیات عامه تاکنون هیچ پژوهش مستقلی انجام نشده است. البته ممکن است بررسی‌های محدودی به برخی از ابعاد کتاب‌های این رشته در قالب کتب زبان و ادبیات فارسی در سمینارها و طرح‌های مختلف صورت گرفته باشد، اما مقاله «آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌های ادبیات عامه در ایران» از (آلیانی و همکاران، ۱۳۹۹) تنها اثر مستقل در حوزه نقد در ادبیات عامه است.

کتاب‌های کلیات ادبیات عامه به دلیل چند بُعدی بودن از لحاظ آموزشی و پژوهشی و همین‌طور پرداختن به موضوعات متنوع این رشته از مبانی‌ترین حلقه ارتباط دانش در آن است. مقایسه این کتاب‌ها به همراه پرداختن به سیر آن‌ها، آثار مهم‌تر را برای پژوهشگران ادبیات عامه آشکار می‌کند.

۳. مفاهیم نظری

چنانکه گفته شد بیشتر کتاب‌هایی که در این جستار به بررسی و نقد آن‌ها می‌پردازیم کتاب‌های درسی و دانشگاهی هستند و در رشته فرهنگ و ادبیات عامه در دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند. بنابراین، باید به منزله رسانه‌ای اثربخش عمل کنند که به همراه ارائه مطالب مفید، نظام‌مند، علاقه‌مندی، پویایی، نشاط را در کنار آموزش برای دانشجویان

این رشته فراهم کنند. نقد و تحلیل این کتاب‌ها فرصتی برای بررسی محتوایی آن‌ها فراهم می‌کند تا با اصلاح موارد احتمالی از جهت محتوایی متناسب با اهداف تعیین شده و اصول علمی برنامه‌ریزی شده پیش بروند. نظام آموزشی کشور ما در همه رشته‌های تحصیلی نظامی کتاب‌محور است. به همین دلیل کتاب‌ها باید متناسب با نیازهای هر رشته تنظیم و مطرح شود و برنامه‌ریزی درسی دقیق درباره آن ارائه شود.

برنامه‌ریزی درسی در اصطلاح مجموعه‌ای از اهداف و تجارب مختلفی است که با تشخیص نیازها و تعیین اهداف آموزشی هر رشته تنظیم می‌شود و عموماً به تعیین محتوا و ساماندهی کتاب‌های یک رشته تحصیلی می‌پردازد. البته تعریف‌های مختلفی برای آن برشمرده‌اند. در ادامه، دیدگاه چند تن از صاحب‌نظران برنامه درسی در مورد آن ارائه می‌شود:

فرای^۱ برنامه درسی را بدین گونه تعریف می‌کند: برنامه درسی عبارت است از توصیف نظام‌مند آموزش در نظر گرفته شده در مدت زمان معین و به منزله یک سیستم منسجم با بخش‌های متعدد، به منظور تدارک مطلوب، تحقق و ارزشیابی آموزش (میرلوحی، ۱۳۷۱، ص. ۴۴). اگرچه فرای برنامه درسی را توصیف نظام‌مند آموزش می‌داند و قلمرو برنامه درسی را به صورت گسترده در نظر می‌گیرد، ولی میل و لوی معتقدند برنامه درسی مجموعه‌ای از مقاصد درباره فرصت‌های اشتغال افراد تحت تعلیم با افراد دیگر یا اشیا در محدوده پیش‌زمانی و مکانی معین است (سیلور و الکساندر، ۱۹۹۹، ترجمه خویی‌نژاد، ص. ۳۴). از سوی دیگر، آیزنر، برنامه درسی را قابلیت طراحی شده می‌داند و در تعریف آن می‌نویسد: برنامه درسی عبارت است از سلسله وقایع آموزشی طراحی شده که به قصد تحقق نتایج آموزشی برای یک یا چند یادگیرنده پیش‌بینی شده است (ملکی، ۱۳۸۱، ص. ۱۴). گلاتثورن، بوسچی، وایت هد و بوسچی

(2012) ضمن تأیید تعریف آیزنر، علاوه بر ازپیش طراحی شدن برنامه درسی، بُعد تجربه را هم به تعریف برنامه درسی اضافه می‌کند. گلاتثورن و همکاران (2012) برنامه درسی را مجموعه طرح‌هایی که برای هدایت یادگیری از آن استفاده می‌شود، تعریف می‌کنند.

عناصر برنامه‌ریزی درسی را چهار عنصر اصلی برشمرده‌اند: هدف، محتوا، روش و ارزیابی؛ که یکی از مهم‌ترین آن‌ها محتواسست که باید درست تنظیم شود.

محتوا از عناصر عمده‌ای است که هدف‌های برنامه آموزشی، یعنی یادگیری از طریق آن تحقق می‌یابد. محتوا درواقع عبارت است از مجموعه مفاهیم، اصول، مهارت‌ها و ارزش‌ها و گرایش‌ها که از سوی برنامه‌ریزان و به قصد تحقق اهداف، انتخاب و سامان‌دهی می‌شود. محتوا وسیله اصلی تحقق اهداف در آموزش است و آن چیزی است که قرار است آموزش داده شود یا یاد گرفته شود (نک: میرزاییگی، ۱۳۸۰، ص. ۱۶۰). در شکل‌گیری محتوا عناصر مهمی شرکت دارند تا اهداف آموزشی و پژوهی با اصول درستی شکل بگیرد، ازجمله:

۱. توالی و تسلسل: براساس دیدگاه نظریه‌پردازانی همچون اسمت، استانلی و شوس چند عامل مهم برای توالی محتوا وجود دارد: اول اینکه از آسان شروع می‌شود. دوم اینکه ترتیب عرضه مبتنی بر یادگیری پیش‌نیازها باشد. از کل به جزء برسد؛ یعنی یادگیری باتوجه به تکامل یادگیرنده از مسئله‌ای به سوی رشد ذهنی و شناختی برای یادگیری‌های بعدی باشد.

۲. استمرار: که ارتباط مستقیمی به اصل توالی دارد، درواقع یعنی ادامه فعالیت یادگیری در طول دوره استمرار. ممکن است عمودی یا افقی باشد. استمرار عمودی

تجارب یادگیری در طول دوره تحصیلی است و استمرار افقی تجربه‌ای است که در یک روز تحصیلی در ارتباط با مواد درسی مختلف بیان می‌شود.

۳. جامعیت و وسعت: باتوجه به هدف‌های اساسی تعیین‌شده معنا پیدا می‌کند و به معنی شامل بودن محتواست. وجود وسعت در محتوای برنامه‌ریزی درسی در هر رشته مستلزم دید وسیع مدرس و مؤلف است.

۴. تعادل و توازن: باتوجه به متفاوت بودن نیازهای فراگیران برنامه درسی باید تعادل ایجاد کند. ساماندهی محتوا باید بر مداومت، پیش‌بینی محتوا، انتقال مفاهیم از ساده به پیچیده با روش فکری از ساده به پیچیده باشد و به موضوعات و مفاهیم مختلف پرداخته شود تا تعادل ایجاد شود.

بر این اساس نتیجه می‌گیریم تنظیم محتوای کتب درسی دانشگاهی برای دانشجویان و پژوهشگران عامل مهمی در تعیین یادگیری است. گاهی کارایی نداشتن و نامناسب بودن محتوا و متناسب نبودن مطالب با توانایی و درک فراگیران، یادگیری را مشکل می‌کند و نتیجه‌ای کم‌تر از انتظار به بار می‌آورد. چنانکه به تفصیل توضیح داده شد، معیارهایی که برای دستیابی بهتر در ساماندهی محتوا باید رعایت شود که به طور خلاصه از اساسی‌ترین آن‌ها می‌توان به این زمینه‌ها اشاره داشت: توالی، استمرار، تعادل و وسعت (نک: مهرمحمدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۶-۱۷۸؛ ملکی، ۱۳۷۶، ص. ۱۸).

۴. تقسیم‌بندی کلی از کتاب‌های کلیات فرهنگ و ادبیات عامه

از نظر سیر موضوعی کتاب‌های ادبیات عامه را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: الف) کتاب‌هایی که قبل از دهه ۱۳۸۰ نوشته شده است و کتاب‌هایی که از دهه ۱۳۸۰ به بعد نگارش و چاپ شده‌اند. سال چاپ کتاب‌ها از این جهت معنادار است که کتاب‌های

نوشته‌شده قبل از دهه ۱۳۸۰ از نظر موضوعی تنوع خیلی کمی دارند و درواقع تنها به چند موضوع پرداخته‌اند، ولی کتاب‌های بعد از دهه ۱۳۸۰ از نظر موضوعی بسیار متنوع هستند.

ب) کتاب‌هایی که درباره فرهنگ عامه نوشته شده‌اند و کتاب‌هایی که تنها اختصاص به ادبیات عامه دارند. برای مثال کتاب‌های فرهنگ عامه (۱۳۹۶) به بسیاری وجوه فرهنگی اشاره می‌کند، ولی کتاب زبان و ادبیات عامه (۱۳۹۴) به مقوله‌های ادبی و زبانی فرهنگ عامه می‌پردازند.

از موضوعات مشترکی که در همه این کتاب‌ها دیده می‌شود پرداختن به فصل تعاریف و کلیات است و آنچه در تمام کتاب‌های پس از دهه ۱۳۸۰ دیده می‌شود: موضوعاتی همچون: افسانه و قصه، ضرب‌المثل، چیستان و تعزیه و ترانه است، اما کتاب‌های فرهنگ عامه تنوع موضوعی بیشتری دارند و این جستار به بررسی آن‌ها می‌پردازد، برای مثال:

کتاب فرهنگ عامه (۱۳۹۶) با مطرح کردن بیش از سی موضوع یکی از کامل‌ترین کتاب‌های حوزه فرهنگ عامه به لحاظ تنوع موضوعی است و با اینکه بسیاری جلوه‌های موضوعی مشترکی با منابع دیگر دارد، اما به برخی مسائلی پرداخته که در کتاب‌های دیگر به آن توجه نشده است؛ برای مثال: توجه به موسیقی، رقص، پوشاک، رابطه فرهنگ عامه با رسانه، پرداختن به مبانی نظری و ... که باعث می‌شود روزآمدی و پویایی فرهنگ عامه را به راحتی دریافت کنیم.

کتاب‌ها را نمی‌توان دقیقاً در ساختار معینی طبقه‌بندی کرد. بیشتر کتاب‌ها بحث اصلی را با فرهنگ عامه شروع کرده و سپس در میان کتاب فصلی را به ادبیات عامه اختصاص داده‌اند؛ برای مثال درآمدی بر فولکلور ایران (۱۳۹۷) این گونه است. بعضی کتاب‌ها از نظر موضوعی متنوع‌اند و موضوعات زیادی را پوشش داده‌اند، ولی خواننده

از این موضوعات دریافت اطلاعات مؤثری ندارد، برای مثال «فولکور و ادبیات عامیانه»: تکرار موضوعی در آن فراوان است و چند بار به بحث نوروز اشاره شده است (نک: بختیاری، ۱۳۸۶، صص. ۳۳-۴۸، ۸۶-۸۷، ۱۴۳-۱۴۵) و مشخص نیست که از تکرارها چه هدفی دنبال می‌شد یا در کتاب فرهنگ عامه نیز مشخص نیست که چرا بحث ادبیات عامه از ترانه شروع شده است (نک: تمیم‌داری، ۱۳۹۶، ص. ۵۱)، آیا ترانه رایج‌ترین نوع ادبیات عامه از نگاه نویسنده است؟ درباره این مسئله هیچ توضیحی ارائه نشده است.

در کل با مروری به سیر موضوعی کتاب‌ها خواهیم دید که کتاب‌های نوشته‌شده قبل از دهه ۱۳۸۰ با اینکه از نظر موضوعی و حجم مختصرند، ولی به نظر می‌آید از نظر عمق پرداختن به مسائل عمیق‌ترند. برای مثال: بلوک‌باشی و بیهقی هردو بحث پرداختن به ادبیات عامه را از فرهنگ و تعریف‌های مختلف آن شروع و سعی کرده‌اند از مباحث کلی‌تر به بحث‌های جزئی‌تر بپردازند و به توالی و تسلسل در ارائه محتوا توجه کرده‌اند. با اینکه هر دو کتاب سعی کرده‌اند تنها به مبحث تعاریف و تاریخچه ادبیات عامه بپردازند، ولی مطالب بسیار مفیدی ارائه داده‌اند. نسبت به کتاب فولکلور و ادبیات عامه (۱۳۸۶) که چند دهه پس از آن‌ها نوشته شده و تنها دغدغه نویسنده پرداختن به موضوعات متنوع بوده است. البته سیر نوشتاری کتاب‌ها در دهه ۱۳۹۰ بهتر می‌شود و در کنار ضعف‌ها، مطالب مفیدی ارائه داده می‌شود، ولی کتاب پژوهشی/جمالی در ادبیات عامه ایران (۱۳۹۶) سیر کتاب‌های ادبیات عامه را به قهقرا می‌برد و مطالب تکراری و توصیفی زیادی را در کنار هم می‌گنجاند و با آوردن شاهد مثال زیاد به حجم اضافی کتاب می‌افزاید.

۵. نقد صوری کتاب‌های فرهنگ عامه از منظر محتوای درسی

- کتاب‌های موردبررسی در این مقاله عبارت‌اند از:
 - فرهنگ عامه سال چهارم آموزش متوسطه عمومی فرهنگ و ادب، علی بلوکباشی، ۱۳۵۶
 - پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران، حسینعلی بیهقی، ۱۳۶۵
 - فولکلور و ادبیات عامیانه، محمدرضا بختیاری، ۱۳۸۶
 - فرهنگ عامه، احمد تمیم‌داری، ۱۳۹۰
 - درآمدی بر فولکلور ایران، محمد جعفری (قنواتی)، ۱۳۹۳
- که در این جستار از منظر اصول برنامه‌ریزی درسی و در دو ساختار صوری و محتوایی بررسی می‌شود.

۱-۵. ساختار صوری

جدول ۱: ساختار صوری

Table 1: Formal structure

ویژگی‌های ساختاری	فرهنگ عامه (۱۳۵۶)	پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران (۱۳۶۵)	فولکلور و ادبیات عامیانه (۱۳۸۶)	فرهنگ عامه (۱۳۹۰)	درآمدی بر فولکلور ایران (۱۳۹۳)
هدف‌گذاری	ندارد	ندارد فقط در پیشگفتار	ندارد	ندارد فقط در مقدمه	ندارد
فهرست	ندارد	ندارد	تفصیلی و دقیق ندارد	تفصیلی ندارد	تفصیلی ندارد
مقدمه	ندارد	ندارد	ندارد	دارد	دارد
مقدمه	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد

مؤثر					
تعاریف و کلیات	دارد	دارد	ندارد	دارد	دارد
روش تحقیق	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
درس‌بندی	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
مقدمه فصل	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
فعالیت و تمرین	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
فهرست موضوعی	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
عنوان‌بندی دقیق	ندارد	دارد	ندارد	دارد	دارد
توضیحات مناسب	دارد	دارد	ندارد	دارد	دارد
عوامل میان‌متنی	تصویر دارد	تصویر دارد	ندارد	ندارد	ندارد
ارزشیابی	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد	ندارد
پیشینه تحقیق جامع	ندارد	ندارد	ندارد	دارد	ندارد
نماینه، واژه‌نامه	ندارد	دارد (در چاپ ششم اضافه شده است)	ندارد	ندارد	ندارد

۶. ساختار محتوایی

۶-۱. توالی و تسلسل در محتوای کتاب‌ها

منظور از توالی و تسلسل چنانکه در مبانی نظری مفصل به آن اشاره شد، از ساده به مشکل چیده شدن مباحث کتاب، از کل به جزء مطرح شدن مطالب و از معلوم به مجهول توضیح دادن نویسنده دربارهٔ مبحثی از کتاب است. این سیر در فصل‌های آغازین کتاب‌های پیش از دههٔ ۱۳۷۰ رعایت شده و مباحث از کلیات و معانی فرهنگ، تعریف فولکلور، قلمرو آن، ابعاد مختلف و اهمیت آن، پیشینهٔ مختصری دربارهٔ آن و ... آغاز شده و سپس فرهنگ عامه به‌منزلهٔ زیرمجموعهٔ آن توصیف شده است (نک: بلوکباشی، ۱۳۵۶، ص. ۲؛ بیهقی، ۱۳۶۵، ص. ۹)، اما نویسندگان کتاب‌های اخیر پژوهشگران و به‌ویژه مبتدیان حوزهٔ فرهنگ عامه را با مبانی و کلیات این رشته آشنا نمی‌کنند و سیر منطقی از مباحث ارائه نمی‌دهند. تنظیم کتاب فولکلور و فرهنگ عامه به توصیف سطحی از فولکلور می‌پردازد که هم‌زمان بحث را با ضرب‌المثل، رابطهٔ فولکلور با موسیقی، پیدایش نوروز و ابعاد آن شروع می‌کند، بخش مختصری را به معانی فرهنگ و ادبیات عامه، تأثیر مشروطه در آن، اهمیت فولکلور، جادو و پیشگویی و ...، تأثیر فولکلور بر زندگی اقتصادی، نوروز و ابعاد آن، ترانه و بایاتی، آداب و رسوم و غذا، دوباره به نوروز، ازدواج و آداب آن، طب و فرهنگ عامه، ترانه و شعر عامه، لطیفه و اسطوره و قصه، ضرب‌المثل و حکمت و پند، و دوباره به ترانه و در آخر نیز به نقش ادبیات شفاهی در زندگی مردم و اصطلاحات آن می‌پردازد که هیچ نظم منطقی در تنظیم فصل‌های کتاب دیده نمی‌شود و حتی در فهرست کتاب نیز فصل‌بندی مشخصی دربارهٔ فصل‌های کتاب وجود ندارد. بخش فرهنگ عامه از ادبیات عامه جدا نشده است. بارها بحث نوروز، ترانه — به‌خصوص بایاتی و عاشیق — در عنوان — بدون هیچ نظم و سیر منطقی و توالی مشخص — تکرار می‌شود. در کتاب *درآمدی بر فولکلور/ ایران* که با فصل‌بندی دقیقی تنظیم شده است: بخش اول فولکلور مراسمی و

تقویمی؛ بخش دوم ادبیات شفاهی، اما مشخص نیست که چرا از فولکلور تقویمی آغاز شده است. نویسنده هیچ توضیحی درباره علت تقسیم‌بندی خود ارائه نداده است. باتوجه به اینکه قسمت اول درباره آیین‌های عروسی، مرگ، نوروز و ... است و قسمت دوم درباره شعر و مثل و چیستان، داستان، اسطوره و ... که می‌توانست مباحث کلی مربوط به فرهنگ عامه را از مباحث ادبیات عامه جدا کند، وی اولین نفری است که فولکلور را به موسمی و مناسبتی و تقویم قمری تقسیم می‌کند. سپس بخش عمده‌ای را به نام ادبیات شفاهی آغاز می‌کند و آنچه مربوط به ادبیات شفاهی است در این بخش بررسی می‌کند. نکته جالب اینجاست که وی گورنوشت، اشیانوشته را جزو ادبیات شفاهی می‌شمارد؛ حال اینکه این‌ها شفاهی نیستند و به صورت مکتوب باقی مانده‌اند. نویسنده بهتر بود درباره مبنای تقسیم‌بندی خود بیشتر توضیح می‌داد، به نظر می‌رسد می‌خواست متفاوت عمل کند و از دریچه جدیدی فولکلور را بررسی کند. با همه تلاش‌هایی که در این عرصه دارد و با اینکه مطالب مفیدی ارائه می‌دهد، در اصل کمک زیادی به جریان‌شناسی فولکلور و توالی و تسلسل در پرداختن به کتاب نکرده است (بختیاری، ۱۳۸۶، ص. ۱-۱۱؛ قنواتی، ۱۳۹۷، ص. ۵۱).

کتاب فرهنگ عامه که مطالب متنوع‌تری را دربر دارد نسبت به کتاب‌های دیگر از نظر فصل‌بندی، داشتن دو مقدمه، پرداختن به جزئیات، پرداخت مختصر به اصطلاح فولکلور یا دانش عمومی، مبانی نظری، ادبیات عامه، هنر عامه، آیین و مراسم، اقوام، زبان و گویش و ... پوشاک سیر منطقی‌تری دارد (نک: تمیم‌داری، ۱۳۹۶، ص. ت-ط).

۲-۶. جامعیت و وسعت در محتوای کتاب‌ها

در تعریفی، جامعیت می‌تواند تمایز اطلاعات مهم از مطالب کم‌اهمیت باشد و هر کتاب جامع باید از گستردگی لازم و محتوای کافی برخوردار باشد. از این حیث کتاب‌های فرهنگ عامه برای بسیاری از رشته‌های مطالعات فرهنگی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و ... می‌تواند کاربرد داشته باشد، اما کتاب‌های نوشته‌شده در این حوزه کمتر از

جامعیت و پوشش‌دهی مطالب، تنوع و گستردگی آن برخوردارند. کتاب فرهنگ عامه سال چهارم تنها مرور کلیات و تعاریف است و مختصری آداب و سنت‌هاست که نویسنده تنها آیین‌های دهکده آینه‌ورزان و شهر تهران را از دو کتاب استخراج کرده است. کتاب اصلاً جامعیت موضوعی ندارد، به مباحث ادبیات شفاهی پرداخته نشده است و تک‌بعدی است. کتاب پژوهش و بررسی فرهنگ عامه نیز معانی و مفاهیم فرهنگ عامه به‌همراه تاریخچه کلی آن را بررسی می‌کند و تنوع و جامعیت موضوعی در آن بسیار کم است، بهتر بود نویسنده عنوان کتاب را به بررسی مفاهیم و تاریخچه ادبیات عامه تغییر می‌داد تا انتظار تنوع موضوعی از کتاب نمی‌رفت. نویسنده کتاب فولکلور و ادبیات عامه ایران نیز که به نوز، ضرب‌المثل، شعر و فرهنگ آذری بسنده کرده و به هیچ عنوان کلیت اقوام در آن بررسی نشده است و بهتر بود عنوان کتاب را به فولکلور آذربایجان و بررسی چند نمونه از ادبیات شفاهی تغییر می‌داد. در درآمدی بر فولکلور ایران نیز که بیشتر طرح شفاهی است تا فرهنگ عامه، به کلیت اقوام پرداخت نشده است. وی به فولکلور ایران به‌طور کامل اشاره نکرده و دلیل را حجم زیاد مطالب دانسته است، اما در جای‌جای کتاب به فولکلور افغانستان و تاجیکستان می‌پردازد. به‌دلیل اشتراکات تاریخی، زبانی و فرهنگی ایران با افغانستان و تاجیکستان تلاش شده است که به مصادیق فولکلور آن‌ها نیز اشاره کند. البته بهتر بود نویسنده که مشکل حجم زیاد را طرح کرده است ابتدا مباحث و مصادیق فولکلور ایران را به‌طور کامل بررسی می‌کرد و سپس به اشتراکات و افتراقات فرهنگ عامه ایران با کشورهای همسایه در مقال دیگر می‌پرداخت و اینکه چرا به فولکلور هندوستان که ریشه‌های مشترک فرهنگی با ایران دارد اشاره‌ای نکرده است. نویسنده کتاب فرهنگ عامه نیز در کنار تنوع زیاد موضوعی سعی کرده است به‌صورت فهرست‌وار به آداب و سنن مناطق مختلف به‌ویژه در فصل پنجم بپردازد، اما نمی‌توان از این کتاب نیز به‌عنوان کتاب جامعی در حوزه فرهنگ عامه یاد کرد؛ چراکه در بعضی موارد بدون اینکه مقدمه‌ای

مطرح کند به بعضی جنبه‌ها بیشتر از بقیه می‌پردازد؛ برای مثال بخش آیین و مراسم از آیین‌های شیراز شروع می‌کند و از بقیه مناطق گذرا یاد می‌کند (تمیم‌داری، ۱۳۹۶، ص. ۲۱۰-۲۳۰) یا به بسیاری از وجوه فرهنگ عامه چون گورنوشت، اشیانوست، کبوتربازی و ... اشاره نمی‌کند، ولی از دیگر آثار فرهنگ عامه متنوع‌تر است.

۳-۶. کاربرد در محتوای کتاب‌ها

همه کتاب‌ها به لحاظ جنبه کاربردی برای دانشجویان و پژوهشگران قابل استفاده و توجه است. مطالب خوبی درباره جنبه‌های مختلف فرهنگ عامه در این کتاب‌ها یافت می‌شود، اما اگر کاربرد را تنها قابلیت استفاده در تحقیقات مربوط به فرهنگ عامه بدانیم هیچ کدام از کتاب‌ها به روش‌های مطالعه، گردآوری و طبقه‌بندی مواد فرهنگ و ادبیات عامه اشاره نکرده‌اند و اغلب مطالب توصیفی و دانشی است. در کل در میان کتاب‌های فرهنگ و ادبیات عامه: تنها بخش عمده‌ای از کتاب‌گذری و نظری در فرهنگ مردم در دهه ۱۳۷۰ به بحث روش تحقیق جلوه‌های مختلف فرهنگ عامه با ذکر جزئیات پرداخته شده است (انجوی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱-۲۵۳) و سپس در دهه ۱۳۹۰ در کتاب زبان و ادبیات عامه این بحث پی گرفته می‌شود (ذوالفقاری، ۱۳۹۴، ص. ۶۳-۷۱)، اما هردوی این نویسندگان بحث روش تحقیق برای فرهنگ عامه را از صادق هدایت (۱۳۲۳-۱۳۲۴) الگو گرفته‌اند (هدایت، ۱۳۷۸، ص. ۲۴۲-۲۷۳).

۴-۶. تناسب، تعادل و توازن

اطلاعات اصلی و فرعی، نیاز کنونی و آتی جامعه و یادگیرنده، علایق و توان او، در توضیح و اختصار، تراکم مفاهیم، توازن فصل‌ها همگی معیارهای اصلی هستند. توازن در کتاب‌های فرهنگ عامه رعایت نشده است برای مثال بیش از نیمی از کتاب فرهنگ عامه به سنت‌ها و آداب و رسوم و نیز نصف کتاب پژوهش و بررسی فرهنگ عامه به بحث تاریخچه پرداخته است که این مطالب بدون نظم و تناسب مطرح شده است. در

کتاب *درآمدی بر فولکلور ایران* نیز به شعر عامه کم‌تر توجه شده، اما به ادبیات داستانی توجه ویژه شده است و طی ۱۰۰ صفحه به این حوزه پرداخته شده است. البته در این صد صفحه بیش از بخش‌های دیگر به حوزه تحلیل وارد شده است و نگاهی عمیق‌تر به بخش قصه دارد. کتاب *فرهنگ عامه* نیز توازن ندارد. همان‌طور که اشاره شد به بخش نظریه‌ها تنها ده صفحه اختصاص داده شده است، درحالی که دو برابر این حجم را به سینما و تلویزیون و فرهنگ عامه می‌پردازد و حدوداً سه برابر را نیز به بحث موسیقی در مناطق مختلف اختصاص داده و البته مطالب فاقد تحلیل است.

۶-۵. اشاره به مسائل نظری و رویکردهای نقد

کتاب *فرهنگ عامه* تنها کتابی است که یک فصل آن به بحث نظریه‌های فرهنگ عامه اختصاص پیدا کرده است (تمیم‌داری، ۱۳۹۶، ص. ۳۷-۴۷). مابقی کتاب‌ها هیچ اشاره‌ای مستقیمی به بحث نظریه نکرده‌اند.

از اینکه تمیم‌داری به بحث نظریه و اهمیت آن در پژوهش‌های فرهنگ و ادبیات عامه واقف است و فصلی از کتاب خود را به آن اختصاص داده، بسیار مطلوب و ستودنی است. چون او در یکی از سخنرانی‌هایش در ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۰ درباره «تلقی درست از فرهنگ عامه در عصر حاضر» این‌طور مطرح می‌کند: برای اینکه فرهنگ عامه علمی شود باید آن را به بحث‌های نظری پیوند بزنیم و از سخن ابن‌سینا درباره بحث‌های نظری شاهد می‌آورد: «هر رشته‌ای که می‌خواهد تأسیس شود باید آن را وارد فلسفه کرد و بنای اندیشگانی آن را محکم کرد». به همین دلیل کتاب او تنها کتابی است که در بین کتاب‌های کلیات فرهنگ عامه بحث نظری را مطرح کرده است، اما بهتر بود به یک‌سری مسائل در بیان نظریه‌ها بیشتر توجه می‌کرد:

باتوجه به حجم ۴۰۰ صفحه‌ای کتاب تنها ده صفحه را به این مبحث اختصاص داده است. در بین نظریه‌های مهم مطرح‌شده در کتاب تنها به چند نظریه بسنده کرده است. برای بیان این نظریه‌ها کاملاً تک‌منبعی عمل کرده است و به کتاب‌های مهم این حوزه همچون کتاب *مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه* که چاپ اول آن ۱۳۸۵ است و پیش از کتاب استرنیاتی ترجمه شده هیچ توجهی نکرده است. مباحث نظری که تمیم‌داری از کتاب استرنیاتی مطرح می‌کند بسیار ساده‌سازی شده است که در ادامه به مثال‌های آن خواهیم پرداخت. وی از برخی جاهای چالش‌برانگیز کتاب استرنیاتی می‌گذرد. به مثال‌هایی که برای تفهیم مباحث در کتاب استرنیاتی مطرح شده است، نمی‌پردازد و به عقیده نگارنده مطرح کردن بحث نظریه‌ها در این کتاب زمانی ارزشمند بود که با مثال‌های فرهنگ عامه ایران آن را تفهیم می‌کرد و حتی به پژوهشگران این حوزه با ذکر مثال می‌آموخت: برای مثال چطور می‌توانند از نظریه مثلاً فمینیسم برای تحلیل جلوه‌های فرهنگ عامه ایران که مربوط به حوزه زنان است استفاده کنند و دیدگاه‌های مختلف این نظریه را معرفی و شرح می‌کرد و نحله‌های مختلف نظری فمینیسم را با هم مقایسه می‌کرد و کاربست آن را حتی به اختصار توضیح می‌داد. هیچ پیوندی بین نظریه‌های مطرح‌شده در این کتاب و بخش‌های دیگر این کتاب وجود ندارد و مابقی فصل‌های کتاب فرهنگ عامه همچون کتاب‌های دیگر صبغه گردآوری مطالب گوناگون دارد. وی به تقدم و تأخر نظریه‌ها در کتاب استرنیاتی بی‌توجه است: برای مثال نظریه پوپولیستی که آخرین نظریه مطرح‌شده در کتاب استرنیاتی است به‌منزله اولین نظریه در کتاب خود مطرح می‌کند و با جابه‌جا کردن نظریه‌ها به این نکته توجه نمی‌کند که استرنیاتی باتوجه به اهمیت و اثرگذاری این نظریه‌ها از هم، آن‌ها در کنار هم قرار داده است.

نکته دیگر اینکه به نظر می‌آید تمیم‌داری این فصل را برای خواننده‌ای نگاشته باشد که به مباحث نظری فرهنگ عامه کاملاً مسلط‌اند و نیاز به مرور اجمالی و یادآوری این نظریه‌ها دارند، حال اینکه بهتر بود به‌منزله یک کتاب آموزشی جنبه تفهیمی بهتری داشت.

برخی ارجاعات از کتاب استرنیاتی مبهم است. برای مثال در جایی می‌نویسد:

در جامعه توده‌ای، صنعتی شدن و شهری شدن در جهت آنچه «ذره‌گرایی» نامیده می‌شود به‌کار گرفته می‌شوند. این بدان معناست که جامعه توده‌ای از مردمی تشکیل شده است که فقط می‌توانند مانند اتم‌ها در فیزیک یا ترکیبات شیمیایی با هم ارتباط برقرار کنند. جامعه توده‌ای از افراد پراکنده تشکیل شده، افرادی که هیچ نوع رابطه منسجم معنادار و یا اخلاقی با یکدیگر ندارند ... در فرایند ذره‌گرایی، نقش اساسی به عهده افول سازمان‌های اجتماعی واسطه است که از صنعتی شدن و شهری شدن ناشی شده‌اند. این فرهنگ توده‌ای در مقابل فرهنگ‌های بومی قرار می‌گیرد که قدرت ایستادگی ندارند و حذف می‌شوند (تمیم‌داری، ۱۳۹۶، ص. ۳۹).

حال برای خواننده سؤال پیش می‌آید که منظور از افول سازمان‌های اجتماعی واسطه چیست؟ که در ترجمه کتاب استرنیاتی این مسئله کاملاً به‌صراحت و به‌روشنی توضیح داده است که: در فرایند ذره‌گرایی، افول سازمان‌های اجتماعی واسطه که از صنعتی شدن و شهری شدن ناشی شده است، نقش اساسی دارند، این‌ها سازمان‌هایی مانند روستا، خانواده، کلیسا هستند که زمانی حس هویت روانی، اجتماعی و یقین اخلاقی را در افراد به‌وجود می‌آوردند، اما همتایان مدرن آن‌ها شهرها و علوم این تأثیر را ندارند (استرنیاتی، ۱۹۹۵، ترجمه پاک‌نظر، ۱۳۹۲، ص. ۲۸). این مسئله به‌دلیل این نکته پیش آمده که تمیم‌داری هدفش را بررسی اجمالی نظریه‌های فرهنگ عامه می‌داند (نک:

تمیم‌داری، ۱۳۹۶، ص. ۳۸)، اما این بیان اجمالی در بعضی موارد باعث نقص در فهم نظریه می‌شود.

۶-۶. بررسی تاریخچه و پیشینه در کتاب‌های فرهنگ عامه

یکی از کاستی‌های اصلی کتاب‌ها نپرداختن به تاریخچه پژوهشی مطالب ذکرشده در هر فصل یا پرداختن به تاریخچه ناقصی است که نویسندگان ارائه می‌دهند. بهتر بود پژوهش‌هایی که مرتبط و مشابه هم هستند یا نزدیک به موضوع تحقیق هستند گزارش شوند.

در کتاب‌های بررسی‌شده تقریباً هیچ نویسنده‌ای به‌طور کامل به پیشینه پژوهش‌های پیشین نپرداخته است در کتاب فرهنگ عامه بحث بسیار مختصر و گذرا مطرح شده است برای مثال (بلوک‌باشی، ۱۳۵۴، صص. ۲۳-۲۹) از پژوهشگران مطرح فرهنگ عامه در ایران از جمله رشید یاسمی، هدایت، فروغی، کوهی کرمانی به‌صورت گذرا یاد کرده است یا در (همان، صص. ۳۶-۴۰) به آثار مهم فرهنگ عامه پیش از اسلام و پس از آن می‌پردازد که اطلاعات کاملی نیست. وی تنها در یک پاراگراف از شرق‌شناسان و تنها از معروف‌ترین شرق‌شناسان البته بدون ذکر آثارشان یاد می‌کند، درحالی که تا زمان نگارش کتاب، یعنی تا دهه ۱۳۵۰ شرق‌شناسان زیادی به ایران سفر کرده‌اند. بیهقی در موارد بسیاری تحت‌تأثیر کتاب فرهنگ عامه بلوک‌باشی است، ولی هیچ اشاره‌ای به این کتاب نمی‌کند. در بحث ادبیات عامه نیز با اینکه می‌توان گفت پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران تنها کتابی است که فصلی را به تاریخچه اختصاص می‌دهد (نک: بیهقی، ۱۳۶۵، ص. ۷۴) و در این راه قدم مؤثری برمی‌دارد، ولی بهتر بود که این اطلاعات را با نظم دقیق‌تری مطرح می‌کرد. وی نسبت به بسیاری از افرادی که درباره فرهنگ عامه پژوهش کرده‌اند، بی‌اعتنا می‌گذرد و نامی از آن‌ها ذکر نمی‌کند و همچون

بلوک‌بندی تنها در یک پاراگراف (نک: همان، ص. ۷۴) به شرق‌شناسان می‌پردازد. او حتی نام دقیقی از فعالیت‌ها و آثارشان در ایران ارائه نمی‌دهد. در تاریخچه به رابطه و سیر پژوهشگران اشاره‌ای نمی‌کند و جریان‌شناسی درستی از آن‌ها ارائه نمی‌دهد. به گرایش‌های پژوهشگران که تحت‌تأثیر چه جریان‌هایی پژوهش دربارهٔ فرهنگ عامه را آغاز می‌کنند، نمی‌پردازد ... او می‌توانست پژوهش‌های فرهنگ عامهٔ پیش و پس از اسلام، آثار ادبی و غیرادبی را از هم جدا کند. همین‌طور می‌توانست به پژوهش‌های فرهنگ عامه در دورهٔ پهلوی اول و پهلوی دوم به همراه آثار و تأثیرگذاری هر کدام اشاره کند و همین‌طور به شرق‌شناسان به‌طور مفصل‌تر بپردازد.

کتاب فولکلور و ادبیات عامیانه (۱۳۸۶) به پیشینهٔ پژوهش‌های قبل از خود اشاره نمی‌کند. حتی به پژوهشگران ایرانی نیز توجه نمی‌کند و مستشرقان و نقش آن‌ها در هیچ کجای این کتاب بررسی نشده است و تنها در بخش مربوط به ضرب‌المثل (نک: همان: ۲۴۰) به مجموعه‌هایی مثل هبله‌رودی، دهخدا، امینی، جمال‌زاده و ... اشاره و سعی می‌کند که پیشینهٔ مثل‌پژوهی را در تحقیقات ادبیات عامه بررسی کند، ولی این بخش نیز ناقص است و اسم چند کتاب بدون تحلیل و ارزیابی، گذرا رها شده و به پیشینهٔ بخش‌های دیگر مطرح‌شده نیز هیچ اشاره‌ای نکرده است.

در کتاب فرهنگ عامه (۱۳۹۰) نویسنده برای بخش‌هایی همچون تاریخچهٔ پژوهش ادبیات عامه به‌طور کلی (صص. ۱۴-۱۸)، گزارش دربارهٔ تاریخچهٔ ترانه (ص. ۵۷)، قصه و افسانه (صص. ۷۷-۷۸) به بیان تاریخچهٔ پژوهشی محدودی دربارهٔ هر کدام از موارد ذکرشده می‌پردازد، ولی نویسنده دربارهٔ مباحثی همچون ضرب‌المثل (ص. ۸۰)، چیستان (ص. ۸۵) و ... یا برای مثال در بحث چیستان می‌نویسد: «از دیرباز تمامی اقوام چیستان دارند. قدیمی‌ترین چیستان‌ها به رسالهٔ "یوشت فریان و اخت" که یک رسالهٔ

پهلوی است برمی‌گردد»، ولی درباره پژوهش‌هایی که درباره چیستان صورت گرفته است هیچ اشاره‌ای نمی‌کند و همین‌طور در هیچ‌کدام از مباحث درباره تفاوت کار خود با کار پیشینیان، هیچ مطلبی ارائه نمی‌دهد و از نظر بیان مطالب، رویکردها و نظریه‌ها هیچ مقایسه‌ای نمی‌کند. وی درباره «نخستین پژوهشگران فرهنگ عامه در ایران» مختصر یاد می‌کند، ولی هیچ اشاره‌ای به مستشرقان نمی‌کند، در مقدمه دوم از سفرنامه‌های ایرانی و غیر ایرانی چند مثال می‌آورد؛ ولی در پیشینه بحث به این مسئله نمی‌پردازد.

کتاب «درآمدی بر فولکلور ایران» (۱۳۹۴) به پیشینه کارهای قبل از خود هیچ اشاره‌ای نمی‌کند؛ ولی در بحث تاریخچه ادبیات عامه تلاش زیادی کرده است و یکی از بهترین کتاب‌ها در جهت پرداختن به تاریخچه فولکلور در ایران است؛ چون ابتدا منابع فولکلور ایران را در دو بخش دوره باستان و دوره اسلامی بررسی می‌کند و از پژوهش‌های زیادی نام می‌برد و مروری به پژوهش‌های فرهنگ مردم پیش از انقلاب می‌کند و به کتاب نوشته نشده «حمیدرضا دالوند» که درباره فرهنگ مردم در دوره پهلوی اول است و نخستین‌بار در سال ۱۳۹۸ چاپ شده است اشاره می‌کند و به شرق‌شناسان نیز اشاره و سعی می‌کند ضمن اشاره به مشهورترین شرق‌شناسان نشان - دهد نویسنده به بحث پیشینه فرهنگ عامه اشراف کامل دارد، ولی درکل اطلاعاتی که ارائه می‌دهد در بحث شرق‌شناسان محدود است. وی مهم‌ترین پژوهشگران ایرانی از جمله بلوک‌باشی، پورکریم، بهار، فروغی و دیگران را از قلم می‌اندازد و اما نسبت به دیگر پژوهشگران در این راه تلاش زیادی کرده است.

۷-۶. سندیت، اعتبار علمی و روزآمدی منابع و مطالب

یکی از شاخصه‌های نوشته‌های علمی بهره‌گیری از منابع معتبر و دادن ارجاع مناسب به آن‌هاست. هیچ مطلبی در خلأ صورت نمی‌گیرد و هر محقق برای تبیین مطالب،

نیازمند به تحقیقات پیشین است. البته دلایل متعددی برای ارجاع دادن به آثار دیگران وجود دارد. به عقیده چارلز لیپسون ما به سه دلیل ارجاع می‌دهیم: «نخست اعتبار بخشیدن به کارهای دیگران؛ دوم بیان مستندات کار خود و سوم هدایت خوانندگان به منابع خود برای قضاوت». کیت ترابیان نیز چهار دلیل عمده برای ارجاع پیش می‌کشد که افزون‌بر موارد پیش‌گفته، اشاره به منابع الهام‌بخش پژوهشگر را دربر می‌گیرد، اما یوجین گارفیلد پانزده دلیل را برای ارجاع نام می‌برد از جمله تکریم پیشگامان، تجلیل از همگنان، اصلاح اثر قبلی، نقد پیشینیان، مستند کردن و اصالت بخشیدن به آن‌ها.

در کتاب فرهنگ عامه توازن منابع رعایت نشده است. بخش دوم کتاب وی تنها از دو کتاب از خشت تا خشت و آینه‌ورزان استفاده شده است، درحالی‌که نویسنده می‌توانست با تحقیق از افراد معتمد و سالمند تحقیق خود را مستند کند.

بیهقی از پژوهشگرانی است که از منابع زیاد و معتبری استفاده کرده است که این منابع در آثار دیگر کم‌تر دیده می‌شود. برای مثال کتاب فرهنگ صادق کیا (۱۳۴۹)، نقش و نگارهای عامیانه ایران و اهمیت گردآوری و بررسی آن‌ها از هوشنگ پورکریم (۱۳۵۳)، دیوان البسه نظام قاری (۱۳۵۹). با اینکه وی در همه فصل‌ها تحت‌تأثیر صادق هدایت و آثار متنوع اوست، می‌توان گفت به منابع مختلف ارجاع داده است. یکی از کتاب‌هایی که از منابع به‌شکل نادرست استفاده کرده است کتاب فولکلور و ادبیات عامیانه است. این کتاب از منابع بسیار متفرقه و بی‌ارتباط به موضوع ادبیات عامه بهره برده و همین‌طور از سایت‌هایی که مناسب ارجاعات تحقیقی نیستند استفاده کرده است برای مثال سایت ویکی‌پدیا (بختیاری، ۱۳۸۶، ص. ۲۸)، وبلاگ‌های شخصی (همان، ص. ۳۳۹). بیهقی درکل از شصت منبع استفاده کرده که بیشتر منابع متون ادبیات فارسی است، ده منبع مربوط به ضرب‌المثل است، درحالی‌که موضوع اصلی کتاب ضرب‌المثل

نیست؛ چندین منبع عمومی همچون قرآن کریم، آداب سخن گفتن از پاشا صالح (۱۳۳۸)؛ تاریخ ادبیات ایران از ربیکا و صفا و ... بهره برده است. ضمن اینکه مرز ارجاعات وی مشخص نیست؛ معلوم نیست کدام موضوع را از منبع موردنظر استخراج کرده و کدام موضوع را خودش مطرح کرده است. وی از روح‌الامینی نقل قول (نک، همان، ص. ۳۷، ۴۰) می‌آورد، ولی هیچ‌جا مشخص نیست از کدام منبع روح‌الامینی استفاده می‌کند. همین‌طور او از تعریف صادق هدایت استفاده کرده (همان، ص. ۶۶) و هیچ‌نامی از هدایت نیاورده است و ارجاعی به مقاله وی نداده است.

در کتاب فرهنگ عامه نیز گاه چند صفحه بدون ارجاع یا با ارجاع تکراری دیده می‌شود (نک: تمیم‌داری، ۱۳۹۶، ص. ۴۵، ۲۲۵، ۲۴۰-۲۳۹ و ...). در پایان فصل‌ها نیز از منابع اصلی و کمکی زیادی استفاده شده است که هر چند بسیاری از آن‌ها در متن به‌کار گرفته نشده است، اما بر جنبه آموزشی کتاب می‌افزایند و اشتیاق محققان را بیشتر می‌کند. کتاب درآمدی بر فولکلور ایران از منابع باارزش و قابل‌قبولی استفاده کرده است. جعفری (قنواتی) در جای جای کتاب به ادب رسمی و شواهدی ارجاع داده و در تبیین موضوع بدان استناد جسته است که از مزایای کتاب است. مؤلف کتاب به‌ویژه در فصل ادبیات داستانی بیشتر از یافته‌های خود نقل‌قول‌هایی آورده است که حاصل تحقیقات شخصی نویسنده است و بر اعتبار علمی کتاب او نسبت به سایر منابع افزوده است.

۷. نتیجه

کتاب‌های کلیات از بنیادی‌ترین پژوهش‌های ادبیات عامه در ایران هستند. این کتاب‌ها به دو دسته آثار ادبی و فرهنگی تقسیم می‌شوند. کتاب‌های فرهنگ عامه چندوجهی‌اند و اطلاعات متنوعی ارائه می‌دهند. این کتاب‌ها با اینکه کاربردی‌اند و از نظر آموزشی و

پژوهشی بسیار موردقبال دانشجویان و پژوهشگران هستند، اما از نظر صوری و محتوایی نقد جدی بر آن‌ها وارد است: از نظر شکلی و صوری هدفگذاری مشخص ندارند. فهرست تفصیلی و مقدمه مؤثر که اطلاعات کاربردی درباره کتاب در اختیار خواننده قرار دهد، ندارند. روش تحقیق و درس‌بندی دقیقی ندارند. آغاز فصل‌ها با مقدمه‌چینی آغاز نشده است. این کتاب‌ها از عوامل میان‌متنی و ارزش‌یابی دقیق که لازمه کتاب‌های آموزشی است، بی‌بهره‌اند. از نظر رسم‌الخط و نگارشی یکدست نیستند. در کتاب‌های بررسی‌شده دو کتاب عنوان فولکلور دارند که معادل‌گزینی فارسی برای آن‌ها صورت نگرفته است. از نظر محتوایی نیز کتاب‌ها سیر منطقی دقیقی ندارند و توالی و تسلسل در آن‌ها رعایت نشده است. مؤلفان در ارائه مطالب توازن ندارند و دچار سوءگیری هستند و باتوجه به دانش و تعلقات خود برخی مطالب را با تأکید و حجم بیشتری مطرح کرده‌اند. هیچ‌کدام از کتاب‌ها به بحث روش تحقیق و شیوه گردآوری توجه نکرده‌اند. به بحث نظریه‌ها و کاربست آن با ابعاد مختلف فرهنگ عامه توجه نشده است. مطالب فاقد تحلیل و ارائه مطالب بیشتر به صورت دانشی و توصیفی است. در پیشینه فرهنگ عامه به مستشرقان و پژوهشگران اثرگذار پرداخت نشده و جریان‌شناسی درستی از این مسئله انجام نشده است. از نظر سندیت نیز فاقد ارجاعات درست و دقیق هستند.

پی‌نوشت

1. Fry

منابع

آلیانی، ف.، رضایتی کیشه‌خاله، م.، و چراغی، ر. (۱۳۹۹). *آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌های ادبیات عامه در ایران. فرهنگ و ادبیات عامه*، ۳۶، ۵-۳۰.

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه _____ سال ۹، شماره ۴۱، آذر و دی ۱۴۰۰

استرنیاتی، د. (۱۹۹۵). مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ عامه. ترجمه ث. پاک‌نظر (۱۳۹۲). تهران: کتابخانه فروردین.

استوری، ج. (۱۹۹۳). مطالعات فرهنگی درباره فرهنگ عامه، ترجمه ح. پاینده (۱۳۸۹). ج ۲. تهران: آگه.

انجوی شیرازی، س. ا. (۱۳۷۱). گذری و نظری در فرهنگ مردم. تهران: اسپرک.

بختیاری، م. (۱۳۸۶). فولکلور و ادبیات عامیانه. ارومیه: ادیبان.

بلوک‌باشی، ع. (۱۳۵۶). فرهنگ عامه سال چهارم آموزش متوسطه عمومی فرهنگ و ادب. تهران: چاپخانه پایا.

بیهقی، ح. (۱۳۶۵). پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران. مشهد: آستان قدس رضوی.

تمیم‌داری، ا. (۱۳۹۶). فرهنگ عامه. تهران: مهکامه.

جعفری (قنواتی)، م. (۱۳۹۷). درآمدی بر فولکلور ایران. تهران: جامی.

ذوالفقاری، ح. (۱۳۹۴). زبان و ادبیات عامه ایران. تهران: سمت.

سیلور، ج؛ الکساندر، و.، و لوئیس، آ. (۱۹۹۹). برنامه‌ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر. ترجمه غ. خویی‌نژاد (۱۳۷۸). مشهد: آستان قدس رضوی.

قیاسی، س. و. (۱۳۹۶). پژوهشی اجمالی در ادبیات عامیانه ایران. تهران: اطلاعات.

ملکی، ح. (۱۳۸۱). برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). تهران: مدرسه.

مهرمحمدی، م. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی درسی (نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها). تهران: آستان قدس رضوی.

میرزاییگی، ع. (۱۳۸۰). برنامه‌ریزی درسی و طرح درس. تهران: سیطرون.

هدایت، ص. (۱۳۷۸). فرهنگ عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه.

References

Aliani, F., Rezayati Kische Khaleh, M., & Cheraghi, R. (2020). The pathology of folklore literature theses in Iran. *Folklore Culture and Literature Bimonthly*, 36, 5-30.

- Anjoy Shirazi, S. A. (1992). *A pass and look on people's culture* (in Farsi). Sparak.
- Bakhtiari, M. (2007). *Folklore and popular literature* (in Farsi). Adiban.
- Beihaghi, H. (1986). *The research and study of Iran's popular culture* (in Farsi). Astan Qods Razavi.
- Bolokbashi, A. (1977). *Popular culture - fourth year of public middle education of culture and literature* (in Farsi). Paya Printery.
- Esterniati, D. (2013). *An introduction to folklore culture theories* (translated into Farsi S. Paknazar). Farvardin Library.
- Ghiasi, S. V. (2017). *A short study in Iran's popular literature* (in Farsi). Ettela'at.
- Hedayat, S. (1999). *Iranian people's popular culture* (in Farsi). Cheshmeh.
- Jafari Ghanavati, M. (2018). *An introduction to Iran's folklore* (in Farsi). Jami.
- Malaki, H. (2002). *Lesson planning (action guide)* (in Farsi). Madreseh Publications.
- Mehrmohammadi, M. (2009). *Lesson planning (perspectives, approaches, and prospects)* (in Farsi). Astan Qods Razavi.
- Mirzabeighi, A. (2001). *Lesson planning and lesson plan* (in Farsi). Seitaron Publications.
- Silver and Alexander. (1999). *Lesson planning and better teaching and learning* (translated into Farsi A. Khouinezhad). Astan Qods Razavi.
- Story, J. (1993). *Cultural studies about folklore culture* (translated into Farsi H. Payandeh). Agah.
- Tamimdari, A. (2017). *Popular culture* (in Farsi). Mahkameh.
- Zolfaghari, H. (2015). *Iran's popular language and literature* (in Farsi). SAMT.

